

تأثیر عامل تعیین در جامعه شناسی معرفت بر رفتار سازمانی کارگزار با روش مقایسه ای بین اندیشمندان غربی و مرحوم شهید مرتضی مطهری و شریعت قرآن کریم

تاریخ دریافت مقاله: تیر ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: مرداد ۱۳۹۸

علی بصیری نیا^۱

^۱استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان

نویسنده مسئول:

علی بصیری نیا



چکیده

یکی از شاخه های جامعه شناسی که روابط بین تفکر، جامعه و مناسبات انواع زندگی اجتماعی با دانش ها و شناخت ها را مورد مطالعه قرار می دهد جامعه شناسی معرفت است اگرچه این امر در اسلام و قرآن چندین هزار سال قبل مدنظر بوده است اما به عنوان یک شاخه ی مجزا و قابل بررسی از قرن نوزدهم در اروپا ریشه گرفته است، از نگاه دانشمندان غرب موضوع رفتار انسانها از بستر فرایند اجتماعی و اندیشه های خاص اجتماعی تحلیل و تبیین می شود، و در علم مدیریت سازمان ها، گروهها و احزاب بطور کلی نقش بسزایی در فهم اجتماعی آنان دارند. موضوع تعیین در جامعه شناسی معرفت برای درک و فهم رفتار انسان، دارای اهمیت کلیدی است. اشارات متعدد قرآن کریم به تامل در اقوام و سرگذشت پیشینیان موضوع جمعی و گروهی برای انسان ها عبرت آموزی و فهم یا تعیین جامعه شناختی دارد. از آنجائیکه در کشور ما زیاد به این شاخه جامعه شناسی پرداخته نشده است لذا این پژوهش با رویکرد تحلیلی- توصیفی با مراجعه به منابع مکتوب و کتابخانه ای و تحلیل محتوا سعی دارد تا برای رسیدن به یک نظر جامع در این باره ابتدا از منظر اندیشمندان مطرح غرب و سپس مقایسه با نظریات مرحوم شهید مرتضی مطهری و تطبیق شریعت قرآن کریم استفاده نماید.

کلمات کلیدی: تعیین - جامعه شناسی معرفت، رفتار کارگزار، قرآن کریم.

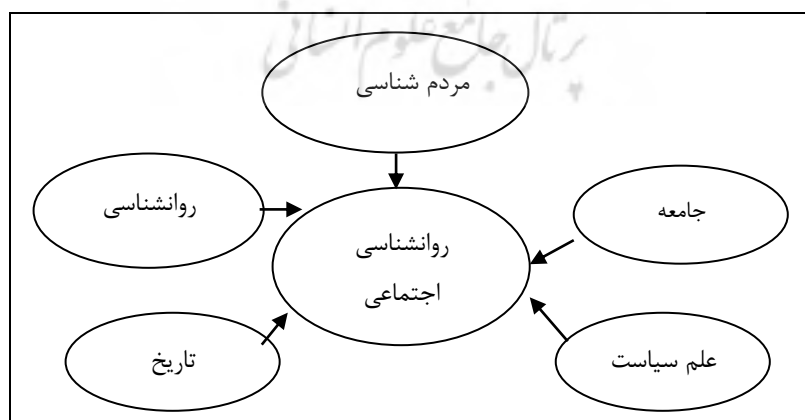
مقدمه

یکی از مباحث مهم در بین اندیشمندان و متفکران در حوزه علوم انسانی و شاخه های مرتبط به آن از جمله فلسفه و مدیریت، موضوع رفتار است. رفتار فرد بر اساس تعبیر و تفسیر وی از واقعیتی است که مشاهده می کند یعنی رفتار شخص بر مبنای ادراک او از واقعیت است نه خود واقعیت، اغلب افراد از این نکته غافلند که واقعیتی که دیگران ادراک می کنند، متفاوت است آنچه مسلم و مبرهن است انسان وقتی معرفت کسب می کند که آگاهی او به درجه ای از کمال رسیده باشد. در اینجا آن دسته عواملی که موجب معرفت یا شناخت او از واقعیات می شوند دارای اهمیت و نقش کلیدی هستند چرا که رفتار انسان را شکل می دهند و پیامد درک او از واقعیات، عمل و رفتار او است. در واقع پرسش در اینجا از حقیقت معرفتی است که تأثیر مستقیم و غیر مستقیم در اندیشه و رفتار انسان دارد و یا آنچه که مربوط به آن می شود را در بر دارد، از طرفی ویژگی جامعه مدرن و پیچیده امروزی به عنوان یک سازمان بر تمام جنبه های زندگی انسان تسلط داشته و بر وضعیت موجود و به نوعی بر شخصیت و عملکرد افراد تأثیر اساسی می گذارد. این نوشتار در پی آن است که به بررسی عامل تعیین در جامعه شناسی معرفت بر رفتار سازمانی کارگزار با هدف تجزیه و تحلیل عامل تعیین بر رفتار سازمانی کارگزار با استفاده از روش مقایسه ای بین اندیشمندان غربی و مرحوم شهید مرتضی مطهری و شریعت قرآن بپردازد. از نظر سازماندهی پژوهش این مقاله شامل سه قسمت است. در قسمت اول به اختصار به اهمیت موضوع رفتار سازمانی و مفهوم آن پرداخته شده در قسمت دوم، به واژه و مفهوم تعیین و تعیین اجتماعی و نیز به برداشت اندیشمندان و تجزیه و تحلیل آن پرداخته خواهد شد. در قسمت سوم نیز از دریچه شریعت قرآن و مقایسه آن با نظرات و آراء اندیشمندان تا ضمن تحلیل شباهت ها و تفاوت ها در موضوع تعیین، پاسخ به سوالات ذیل روش تحقیق پژوهش خواهد بود.

- ۱- عامل ارتباط اندیشه و معرفت اجتماعی چیست ؟
- ۲- رابطه میان معرفت و شرایط اجتماعی و به ویژه به وجود آورندگان آنها (سازمانها، گروهها، پدیده ها ، ...) چگونه است؟
- ۳- و در نهایت این ارتباطات (کسب معرفت) چه تاثیری بر رفتار کارگزار دارد؟ در این راستا برای فهم و مقایسه بهتر موضوع رفتار ابتدا به اختصار به اهمیت موضوع از نگاه برخی علوم پرداخته می شود.

مفهوم شناسی**۱- رفتار سازمانی**

رفتار سازمانی یکی از دانش های میان رشته است که مطالعه رفتار فرد ، گروه و سازمان را بر عهده دارد و در سال های نخستین دهه ۱۹۶۰ میلادی ظهور کرد. اهداف اصلی چنین دانشی دستیابی به اثر بخشی سازمان و رفاه فرد در سازمان است. رفتار سازمانی عبارتست از : مطالعه نظام یافته رفتار با هدف بهبود توانایی تشریح ، پیش بینی و همچنین هدایت ، کنترل و تغییر رفتار. دانش هایی که در شکل گیری رفتار سازمانی نقش دارند (رضائیان، ۱۳۸۷).



رفتار سازمانی دانش میان رشته است که از یافته های روانشناسی، جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی، مردم شناسی، روانشناسی اجتماعی، مهندسی صنعتی، علم سیاست و اقتصاد و تاریخ بهره می گیرد. جامعه شناسان از طریق مطالعه رفتار گروه در سازمان، به ویژه سازمان های رسمی و پیچیده، بیشترین سهم را در دانش رفتار سازمانی دارند. دانشمندان علم سیاست، رفتار افراد و گروهها را در محیط سیاسی مطالعه می کنند. مدیریت تضاد، توزیع قدرت و چگونگی سوء استفاده از قدرت برای منابع فردی عناوینی هستند که به دانش رفتار سازمانی کمک می کنند(همان).

مفهوم رفتار سازمانی کارگزار، در این مقاله اشاره به عموم مردم دارد.

۲- تعیین و تعیین اجتماعی

تعریف تعیین: در فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی، واژه تعیین در اصطلاح لاتین *determin/determinate* به معنای معین کردن، تعیین کردن، مشخص کردن، باعث شدن، عامل تعیین کننده و عامل موثر است(فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶).

در این مقاله واژه "تعیین" نقش تعیین کردن و تعیین کنندگی دارد. در جامعه شناسی معرفت سؤال اصلی این است که آیا اجتماع در محتوای معرفت و شناخت انسان در بروز رفتار سازمانی کارگزار تأثیر دارد؟ یا به عبارتی بهتر آیا اجتماع عامل تعیین است؟ و اگر است این تعیین به چه میزان یا اندازه و سطحی و عمقی محتوای معرفت و شناخت انسان را در بروز رفتار شکل می دهد؟

عامل تعیین در جامعه شناسی معرفت موضوع تأثیر جامعه بر عین و ذهن است که رفتار انسان را سبب می شود یعنی هر آنچه انسان عمل می کند و به عبارت دیگر آنچه رفتار انسان را شکل می دهد ناشی از تأثیر خارج عین بر عین و ذهن(ادراکات) انسان است. در بحث میزان و سطح و عمق عامل تعیین از یک سو به منشأ (خاستگاه) اجتماعی در باب چگونگی پیدایش و به ایجاد محتوای تفکر معرفت و از سوی دیگر به تأثیر اجتماع(ایجاد و تعیین (صورت)) اشاره دارد. در اینجا دو سوال مطرح می شود:

۱- آیا جامعه و خاستگاه آن عامل تعیین است؟

۲- آیا عوامل خارجی و اجتماعی عامل تعیین محتوای معرفت انسان است؟ و در نهایت عامل تسلط بر تعیین در بروز رفتار سازمانی کارگزار کدام است؟ در ادامه برای پاسخ به سوالات فوق و فهم بهتر موضوع، به مفهوم جامعه شناسی معرفت و به نظرات و آراء نظرات اندیشمندان در این باب پرداخته می شود.

۳- جامعه شناسی معرفت

الف: مفهوم جامعه شناسی معرفت: تا کنون تعریف کامل و واحدی از این مفهوم نشده است. این اصطلاح نخستین بار توسط مارکس شلر مطرح شد و او این علم را دانشی که موضوع آن، بررسی روابط و پیوند های موجود انواع زندگی اجتماعی و اقسام گوناگون معرفت دانسته می داند.

جامعه شناسی معرفت، ارتباط حوزه معرفت را با جامعه مطالعه می کند. «جامعه شناسی معرفت» یعنی جامعه شناس حوزه معرفت و زوایای آن(علیزاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۵). علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تعریف رابرت مرتن از «جامعه شناسی معرفت» چنین است: جامعه شناسی معرفت عمدتاً با روابط میان معرفت و دیگر عوامل وجودی در جامعه یا فرهنگ سروکار دارد.

ورنر اشتارک کار اصلی جامعه شناسی معرفت را تأثیرات مشارکت آدمی در حیات اجتماعی بر معرفت و اندیشه و فرهنگ معرفی می کند و پس از احراز وجود این تأثیر به تعیین چگونگی آن همت گمارد(همان، ۲۸).

جامعه‌شناسی معرفت و رفتار کارگزار از دیدگاه اندیشمندان غربی و شهید مطهری

هر چند مباحث معرفت‌شناسی در غرب با ارسطو و افلاطون شروع شده است اما جامعه‌شناسی معرفت یکی از حوزه‌های پر اهمیت دانش اجتماعی است که برای اولین بار به وسیلهٔ ماکس شلر اندیشمند سرشناس آلمانی با همین اصطلاح مطرح شد. شلر جامعه‌شناسی معرفت را دانشی می‌داند که موضوع آن بررسی روابط و پیوندهای میان انواع زندگی اجتماعی و اقسام گوناگون معرفت‌هاست (رسولی، ۱۳۹۶: ۱).

علوم انسانی جدید دنیای غرب از نظر ابزارهای معرفتی، خود را به حس و استقرای ناقص، تجربه و آزمون و عقل ابزاری محدود کرده است. این مسئله، به خصوص بعد از دیوید هیوم و کانت به صورت جدی پیگیری میشود. معرفت‌شناسی پوزیتیویستی قرن نوزدهم و بیستم نیز هرگونه شناخت فرا حسی و عقلی را بیمعنا، غیر معتبر و بی ارزش تفسیر کرد که نمیتواند بیانگر واقعیت و حقیقتی باشد (گلشنی، ۱۳۹۳: ۲۰۰).

یکی از اندیشمندان غربی که پس از ارسطو، افلاطون، نتیجه، دکارت و ... نظریه قابل بررسی در باب جامعه‌شناسی معرفت و رفتار بر کارگزار دارد کارل مانهایم است وی با ورود نظریه ایدئولوژی به مفهوم کلی آن، وارد عرصه جامعه‌شناسی معرفت می‌شود:

به عقیده مانهایم، هر فردی به دلیل تولد و رشد در جامعه، از دو نظر تعیین می‌یابد: از یک طرف، وی با یک موقعیت حاضر و آماده و از طرف دیگر، با الگوهای از پیش مطرح شده، اندیشه و عمل در آن موقعیت مواجه می‌شود. به عقیده مانهایم، رفتار هر فردی به دلیل تولد و رشد در جامعه، از دو نظر تعیین می‌یابد: از یک طرف، وی با یک موقعیت حاضر و آماده و از طرف دیگر، با الگوهای از پیش مطرح شده‌ی، اندیشه و عمل در آن موقعیت مواجه می‌شود (مانهایم، ۱۳۹۲).

خلاصه اینکه جامعه‌شناسی معرفت مانهایم نشان می‌دهد که ظهور و سقوط اندیشه از عواملی خارج از محدوده خود دانش، یعنی عوامل اجتماعی متأثر است (جبراجتماعی). شرایط اجتماعی در هر دوره‌ای نوع دانش یا چگونگی اندیشه در آن دوره را تعیین می‌کنند. از نظر مانهایم، این امر نه تنها در مورد پیدایش افکار صدق می‌کند، بلکه این عوامل وجودی به درون فرم و محتوای افکار نیز رسوخ می‌کنند (راوودراد، ۱۳۷۶). و در بروز رفتار سازمانی کارگزار تاثیر گزار است. بنابراین بطور خلاصه شمای نظریه مانهایم بصورت ذیل است.



شکل ۱- تبیین عامل تعیین در بروز رفتار از منظر کارل مانهایم

از دیگر اندیشمندان مطرح جامعه‌شناسی معرفت مارکس می‌باشد مارکس نیز مانند مانهایم بر این عقیده است که اندیشه خارج از جامعه موضوعیت ندارد: زیرا خاستگاه اندیشه، اجتماع است و بدون آن اندیشه تولید نمی‌شود.

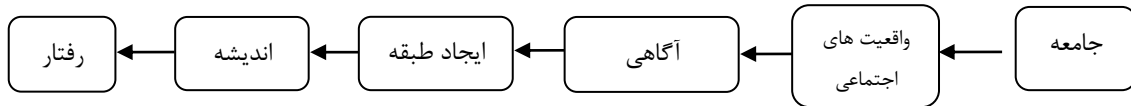
از بحث‌های مارکس، بخصوص رویکرد فلسفی وی به اندیشه چنین استنباط می‌شود که «تعیین» در اینجا به معنای خاصی است «تأثیر جامعه بر اندیشه» به این معنا نیست که جامعه‌ای وجود دارد و اندیشه‌ای، و یکی بر دیگری اثر می‌گذارد، بلکه به عقیده مارکس، اصل وجود اندیشه به اجتماع بستگی دارد. اجتماع اساساً خاستگاه اندیشه است و اندیشه از آن تولید می‌شود. ریشه فکر در جامعه است، به طوری که اگر اجتماعی نباشد، فکری هم تولید نخواهد شد. (اژدری زاده، ۱۳۷۶: ۲۷)

مارکس جامعه را به دو بخش «زیر بنا» و «رو بنا» تقسیم می‌کند. «زیر بنا» از نیروها و روابط تولیدی تشکیل می‌شود و «رو بنا» نهاد های حقوقی و سیاسی و ایدئولوژی‌ها و فلسفه‌هاست. روابط تولیدی و مناسبات تولیدی رو بناها را می‌سازد (آرون، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

مارکس علاوه بر تفکیک زیر بنا و رو بنا، «واقعیت اجتماعی» را از «آگاهی» جدا می‌کند. اینکه «چگونه آگاهی شکل می‌گیرد». موضوعی است که مارکس در اینجا به آن می‌پردازد. به نظر وی، آگاهی انسانها نیست که تعیین کننده (تعیین) واقعیت است، بلکه بر عکس واقعیت اجتماعی است که آگاهی آنان را تعیین می‌کند. تبیین آگاهی راه‌های دیگری را نیز دارد که تبیین به کمک طبقه، از همه مقبول تر است (مارکس، ۱۹۷۷).

تفسیر افکار به کمک واقعیات اجتماعی، به چندین روش امکان پذیر است. به آسانی می‌توان طرز فکر ها را با شیوه تولید یا سبک فنی جامعه مورد نظر تبیین کرد. اما تبیینی که بیش از همه مقبول افتاده، تبیینی است که افکار معین را به یک طبقه اجتماعی معین نسبت می‌دهد. بطور خلاصه:

مارکس عامل تعیین کنندگی (تعیین) معرفت را «طبقه» می داند. در اندیشه وی، «طبقه» در میان عوامل گوناگون اجتماعی، مهم ترین عنصر در تعیین معرفت و شناخت است. مارکس معتقد است: بنیان های وجودی اندیشه را باید در اجتماع یافت. به عقیده او، از میان عوامل مختلف اجتماعی، طبقه بهترین عنصر برای تحلیل های معرفتی است. بنابراین بطور خلاصه: شمای نظریه مارکس بصورت ذیل است.



شکل ۳- تبیین عامل تعیین در بروز رفتار از منظر مارکس

در بحث مقایسه نظریه های دو اندیشمند غربی در باب جامعه شناسی معرفت که اشاره شد استاد مطهری به طور روشن مدعی است که بین جامعه شناسی و ایدئولوژی ارتباط وجود دارد. برای توضیح ارتباط جامعه و ایدئولوژی، اعتقاد به تنوع جوامع و امکان تعدد ایدئولوژی را مطرح کرده است: «برحسب اختلاف منطقه ها و شرایط زمانی و مکانی و درجه فرهنگ ها و تمدن ها، انواع متعدد و ماهیت های مختلف می شوند و طبیعی است جامعه شناس های متعدد می آیند و هر نوع از یک ایدئولوژی خاص می تواند برخوردار باشد. معیار با ایدئولوژی نوع دیگر... یا هر جامعه ای برحسب شرایط منطقه ای و فرهنگی و تاریخی، جامعه شناسی ویژه دارد و ایدئولوژی خاص را ایجاد می نماید. نظر استاد مطهری در مورد نحوه ارتباط دین، فلسفه و علم در کتاب جهان بینی اسلامی بخش جامعه و تاریخ آورده شده است. ما در این کتاب که بحث جامعه و تاریخ را از نظر جهان بینی اسلامی مطرح کرده ایم، نظرمات تنها تاریخ علمی و فلسفه و تاریخ است، زیرا اینها هستند که در حوزه کلی جهان بینی قرار می گیرند (مطهری، ۱۳۹۲: ۵۷).

استاد مطهری برای ایجاد ارتباط مناسب و مؤثر بین دین، فلسفه و جامعه شناسی وارد حوزه فلسفه جامعه شناسی شده است او به لحاظ اینکه مبانی دیدگاه های کلی حاکم بر جامعه شناسی را نادرست و غیر علمی و منطقی دانسته است، سعی در طرح اصول، مفاهیم، و دیدگاه های جدیدی برای جامعه شناسی دارد. استاد مطهری معتقد است جامعه شناسی (و علوم اجتماعی به طور عام) متأثر از دیدگاه اثباتی و مارکس بوده و از این بابت حال ایدئولوژیک و غیر علمی یافته است. در جامعه شناسی قرن نوزدهم که استاد مطهری بیشتر با آن آشنا بوده، ایدئولوژی ها قابل رؤیت می باشند. اگر ایدئولوژی را «مجموع طرحها و راههایی که جامعه را به سوی کمال و سعادتش رهبری می کند» (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۲۸). بدانیم، در بسیاری از جاها جامعه شناسی در جهت طرح جامعه بهتر در فردا که کمال و توسعه در آن است، می باشد.

در بحث تعیین افرادی نظیر مارکس و دورکهایم همانطور که اشاره شد عمده توجه شان به تأثیر پذیری به محتوا جلب شده است. ولی دیگران مثل شلر معتقد است که عمده تأثیر عوامل خارجی در قالب و شکل معرفت است و در ایجاد و خلق محتوا چندان اثر بخش نیستند (راو دراد، ۱۳۷۶: ۵۷).

از نگاه شهید مطهری جامعه در شکل گیری معرفت نقش دارد ولی تمام نقش را جامعه ایفا نمی کند، مهمترین بحثی که دیدگاه استاد شهید مطهری را از دیگران (دورکیم، مارکس و مانهایم) جدا می کند «تعیین اجتماعی معرفت» است از نگاه وی جامعه و فرد هر دو اصالت دارند و تأثیر گذارند (مطهری، ۱۳۹۲: ۲۹).

به نظر می رسد در رابطه با نظریات غربی ها در باب جامعه شناسی معرفت و عامل تعیین بر رفتار کارگزار آنچه که شهید مطهری را متمایز و متفاوت نشان می دهد جاودان بودن و مطلق بودن سپهر معرفتی است که هر فرد متناسب با رفتار خود به معرفت شناسی می رسد شهید مطهری انسان را صاحب فطرت الهی می داند و در نحوه رفتار افراد در نهایت تکامل انسان و انتظار انسان از جامعه مدنظر است ایشان انحراف و تغییر در رفتار را ناشی از انحراف از فطرت الهی می داند از نظر وی جامعه در تعیین رفتار نقش دارد و ادراکات فطری در این زمینه بسیار موثر است در نهایت استاد مطهری قائل اند که جامعه و امور غیر معرفتی نباید در سامان معرفت نقش داشته باشد، اگر در عالم واقع اینگونه نباشد آنها اصلاً معرفت نیستند. اما در حیطه معرفت های غیر یقینی، جامعه می تواند نقش داشته باشد و ایجاد اشکالی نمی کند.

نگاه شریعت قرآن در موضوع تعیین

همانطور که به تفصیل اشاره شد، منشا موضوع رفتار سازمانی از منظر اندیشمندان ناشی از نگرش، ادراکات و دانش و آگاهی و یا به عبارتی معرفت انسان از زوایای مختلف است که در بالا در بحث تعیین و مولفه های آن به مقوله ذهن و تاثیر پذیری اندیشه انسان که "تولید رفتار" را به عهده دارد پرداخته شد. اما برای بررسی این موضوع و روشن شدن زوایای گوناگون آن از دیدگاه قرآن سوالاتی مطرح است، که آیا از منظر قرآن عامل تعیین در تولید رفتار سازمانی ذهن است؟ یا عوامل خارج از ذهن است؟ یا هر دو؟ کدامیک بر دیگری تاثیر گذار است؟ یا رابطه دو سویه است؟ عامل مسلط بر این تعیین چیست؟ موضوع و سطح تاثیر پذیری و عمق تعیین در کسب معرفت در برونداد رفتار چگونه است؟ جایگاه و نقش اراده انسان در این تعامل جامعه با معرفت کجاست؟ در ذیل به تعیین در جامعه شناسی معرفت بر رفتار سازمانی کارگزار از زوایای مختلف که در قرآن به آنها اشاره شده است پرداخته می شود

۱- تاثیر عوامل پدیده های سیاسی و اجتماعی به عنوان تعیین بر ذهن

دربیان آیات نورانی قرآن کریم بصورت متعدد اشاراتی به جوامع گذشته و عبرت آموزی از آنها شده است. به عنوان نمونه در سوره (طه، آیه ۱۲۸) میفرماید:

أَفَلَمْ يَجِدْ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ.

" و آیا برای آنان روشن نکرد که چه بسیار گروه هایی را پیش از آنان هلاک کردیم در حالیکه (این کافران) در خانه های آنان راه می روند؟"

همچنین آیاتی که از سرنوشت مفسدین (حکومت فرعون) یاد می کند مانند آیه ۱۴ سوره نمل و آیات متعددی که به سرگذشت ظالمین (قوم بنی اسرائیل) اشاره دارد مانند آیه ۴۰ قصص رابه عنوان نمونه می توان ذکر کرد. از این دست آیات شریف به صورت متعدد برای عبرت آموزی انسان آمده است در واقع این دسته آیات قرآن کریم اولاً رابطه عین و ذهن را تأیید کرده و ثانیاً تاثیر گذاری عوامل خارج بر عین را بر ذهن بیشتر تأکید دارد.

۲- تاثیر عامل پدیده های تاریخی به عنوان تعیین بر ذهن

در واقع از نگاه قرآن یکی از مبانی شناخت، تاریخ است. «تاریخ» یعنی جامعه سیال. جامعه سیال جامعه ای است که در ارتباط با گذشته و حال قرار دارد. جریان تاریخ برای بشر درس آموز است. قرآن کریم هم روی آن تأکید کرده است. قرآن کریم در باره سنت و گذشتگان بسیار تأکید دارد، سرگذشت پیشینیان و عاقبت کار آنهايي که پیرو پیامبران هدایت نگرویده و راه درست را انتخاب نکرده اند مورد سرزنش قرار داده و به آیندگان گوشزد می نماید که در عاقبت آنان نگرسته و تأمل کنند. به عنوان نمونه در سوره محمد آیه ۱۰ می فرماید:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

" و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟"

آیات (فاطر / ۴۴)، (غافر / ۲۱ و ۲۸)، (انعام / ۶ و ۸)، (مریم / ۷۴)، (آل عمران / ۱۳۷)، (نحل / ۳۶)، (زخرف / ۳۵) اشاره به این موضوع دارد. در واقع به نوعی این عامل تعیین بر ذهن دارند.

اصطلاح قرآنی سیر در زمین به معنای تفکر و عمل در وقایع و حوادث تاریخی به منظور عبرت آموزی و پند اندوزی است (حالت تعیین). حال اگر هر واقعه ای پدیده ای منحصر به فرد بود و ربطی به سایر جوامع نداشت خداوند حکیم دعوت به ژرف اندیشی در آن نمی کرد. از این دست آیات در قرآن کریم فراوان مطرح و تأکید شده است.

که به نوعی تأثیرگذاری پدیده های تاریخی به عنوان عامل تعیین بر ذهن را کاملاً تصدیق می کند و این تأثیر پذیری را مشروط به توجه و درس آموزی انسان نیز نموده است. نکته دیگری که می بایست به آن توجه نمود، مساله نگاه غایت انگاری و نگاه وجودی به کسب معرفت است، که نگاه و تأکید شریعت قرآن به سرگذشت جوامع گذشته و راه و اراده بشر در انتخاب مسیر درست و صحیح عنایت دارد، زیرا کسب معرفت تاریخی به ساختن آینده زندگی دنیوی و اخروی اشاره دارد.

۳- تأثیر عامل پدیده های اقتصادی به عنوان تعیین بر معرفت و ذهن

آیا شریعت قرآن سهمی برای مسائل اقتصادی به عنوان تعیین، بر اندیشه ها قائل است؟ آیا گروه های متفاوت اقتصادی را، به سبب تفاوت طبقاتی، دارای اندیشه متفاوت می داند یا هیچ تأثیری برای اقتصاد در شکل گیری و یا محتوای معرفت قائل نیست؟

از برخی آیات قرآن چنین استفاده می شود که اقتصاد و معیشت را، هر چند بصورت جزئی یا لاقفل به صورت بستر ساز و زمینه ساز، در اندیشه و کسب معرفت موثر می داند و از این رو، بین رفتارهای مبتنی بر هنجارها و ارزش های مقبول دینی یا حتی اجتماعی و توان اقتصادی رابطه قائل است خواه، رابطه مثبت یا رابطه منفی، و خواه رفاه عامل منفی باشد هرکدام می توانند تأثیر گذار باشند از این جهت در آیات ۵۱ تا ۵۳ و ۶۹ سوره انعام به عنوان نمونه حاکی از تأثیرات مثبت و منفی دارد آنجایی که در جهت کارخیر و کسب توفیقات و سعادت اخروی باشد مثبت است و چنانچه در جهت رفاه مادی و آسایش و لذت دنیایی صرف باشد منفی تلقی می شود. همانگونه که در بالا ذکر شد، مارکسیست ها کاملاً به طبقه اعتقاد داشته و اصولاً رفتار را بر اساس طبقه تجزیه و تحلیل می کنند.

۴- نقش عامل اراده انسان به عنوان تعیین

قرآن کریم در این باره به اراده ای که تسلیم هیچ نوع فشاری نمی گردد اشاره دارد تا آن که این اراده به قدر اراده ساحران فرعون رشد می کند، ساحرانی که سرانجام به موسی ایمان آوردند و همه چیز را در راه ایمانشان فدا کردند و چنانچه قرآن می فرماید در برابر همه فشارها مقاومت ورزیدند. آیات ۱۲۰ الی ۱۲۶ ناظر بر این مدعاست.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد / ۱۱).

در حقیقت خدا آن (سرنوشتی) که در قومی است را تغییر نمی دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است تغییر دهند. در این آیه نقش اراده و اختیار انسان را در زمینه سازی جریانات مختلف (قانون و سنت) نشان می دهد. خلاصه اینکه انسان در برابر عوامل طبیعی و اجتماعی و حتی متافیزیکی مجبور و متأثر تام نبوده و عوامل فوق مسلط نیستند. و به نقل شهید مرتضی مطهری نیز انسان مسلوب اختیار نیست.

نتیجه اینکه مشاهده می شود که از منظر شریعت قرآن کریم نیز تنها فرد و جامعه عامل تأثیر گذار بر تعیین رفتار نیستند و ابتدای این امر نگاه و باور خداوند بسیار تأثیر گذار خواهد بود نگاه حاکم خدا باور به حکومت و قدرت غیر از نگاه کسی است که منکر حضور و نظارت خداست و بر مردم حکومت می کند و خود را در راس قدرت می داند از این رو، تصمیماتی که آن دو اتخاذ می کنند، دستوراتی که صادر می کنند و یا رفتارهایی که از آنها سر می زند، متفاوت است. گروه های اجتماعی که برای خدا در کارها اثر واقعی قائلند. در فعالیتهای اجتماعی خویش همیشه فعال عمل می کنند و در عین حالی که دارای برنامه ریزی و محاسبات هستند. اما تمام محاسبات را مبتنی بر امکانات مادی نمی کنند بلکه برای امدادها و نصرت های الهی نیز سهمی در پیروزی خود قائلند و لذا با وجود این که پیامبر اسلام (ص) اهل برنامه ریزی و نظم بودند. اما همه تصمیمات را مبتنی بر امکانات خویش در برابر دشمن قرار نمی دادند و به همین دلیل با وجود برتری نیروی دشمن از نظر نفرت و امکانات در جنگ بدر تصمیم بر مقابله با مشرکین گرفتند و در نتیجه با امداد الهی پیروز شدند. و بر عکس آنجایی که مشرکین در سلسله مراتب قدرت، سهمی برای خدا قائل نبودند یا سهم او را اندک می دانستند و به یاری خداوند جایگاهی شایسته و بایسته قائل نبودند، از این رو، هنگامی که می دیدند نفرت و امکانات آنها بر مسلمانان پیشی گرفته و پیروزی را از آن خود می دانستند و سهم نصرت و امداد الهی را برای رقیب نادیده گرفتند به همین دلیل از همان زاویه ای که محاسبه ای نداشتند آسیب پذیر شدند.

نتیجه گیری

بر طبق نتایج حاصل از این تحقیق هرچند مباحث معرفتی با ارسوط و افلاطون شروع شد اما اولین با اندیشمند آلمانی ماکس شلر جامعه شناسی معرفت را مطرح کرد وی جامعه شناسی معرفت را حاصل پیوند زندگی اجتماعی و معرفت می دانست پس از آن دیگر اندیشمندان غربی مانند دیوید هیوم، کانت، دکارت، مارکس وبر، مانهایم و... حول این محور به تحقیق و بررسی و اظهار نظر پرداختند.

به عقیده مانهایم به عنوان مطرح ترین و دایه دار جامعه شناسی معرفت، هر فردی به دلیل تولد و رشد در جامعه، از دو نظر تعیین در رفتار می یابد: از یک طرف، وی با یک موقعیت حاضر و آماده و از طرف دیگر، با الگوهای از پیش مطرح شده، اندیشه و عمل در آن موقعیت مواجه می شود.

تقریباً می توان گفت دیگر اندیشمندان غربی نیز حول نظرات مارکس و مانهایم اتفاق نظر دارند و بر همین عقیده می باشند که تعیین جامعه شناسی معرفت بر رفتار سازمانی کارگزار حاصل تفکر و روابط افراد در زندگی اجتماعی با مبانی معرفتی است در باب مقایسه جامعه شناسی معرفت غربی با ایران باید گفت اگرچه مبانی اسلامی از ابتدای ظهور اسلام و وجود قرآن به این امر توجه جدی داشته است اما جامعه شناسی معرفت به عنوان یک شاخه مجزا چندان سابقه ای در ایران ندارد و باید برای این مسئله به اندیشمندان قرن حاضر در ایران مانند شهید مطهری اشاره کرد در بحث مقایسه نظریه های دو اندیشمند غربی در باب جامعه شناسی معرفت که اشاره شد استاد مطهری به طور روشن مدعی است که بین جامعه شناسی و ایدئولوژی ارتباط وجود دارد. از نگاه شهید مطهری جامعه در شکل گیری معرفت نقش دارد ولی تمام نقش را جامعه ایفا نمی کند، مهمترین بحثی که دیدگاه استاد شهید مطهری را از دیگران (دورکیم، مارکس و مانهایم) جدا می کند « تعیین اجتماعی معرفت» است از نگاه وی جامعه و فرد هر دو اصالت دارند و تأثیر گذارند به نظر می رسد در رابطه با نظریات غربی ها در باب جامعه شناسی معرفت و عامل تعیین بر رفتار کارگزار آنچه که شهید مطهری را متمایز و متفاوت نشان می دهد جاودان بودن و مطلق بودن سپهر معرفتی است که هر فرد متناسب با رفتار خود به معرفت شناسی می رسد شهید مطهری انسان را صاحب فطرت الهی می داند و در نحوه رفتار افراد در نهایت تکامل انسان و انتظار انسان از جامعه مدنظر است.

نتیجه اینکه مشاهده می شود که از منظر شریعت قرآن کریم نیز تنها فرد و جامعه عامل تأثیر گذار بر تعیین رفتار نیستند و ابتدای این امر نگاه و باور خداوند بسیار تأثیر گذار خواهد بود نگاه حاکم خدا باور به حکومت و قدرت غیر از نگاه کسی است که منکر حضور و نظارت خداست و بر مردم حکومت می کند و خود را در راس قدرت می داند از این رو، تصمیماتی که آن دو اتخاذ می کنند، دستوراتی که صادر می کنند و یا رفتارهایی که از آنها سر می زند، متفاوت است. قرآن نیز از بسیاری از آیات که به برخی از آنها اشاره شد به نوعی عبرت آموزی از اقوام گذشته و پیشینیان و زیست آنها اشاره دارد که به نوعی تأثیر عین بر ذهن و ذهن بر عین در بسیاری از آیات بخصوص در سوره انفال آیه ۴۶ در موضوع جنگ بدر در مقابله با کفار اشاره به مؤمنین پاک و خالص دارد که اگر برای رضای خدا باخلوص نیت در برابر مشرکان بایستند پیروز خواهند شد و خداوند این وعده را به مومنان واقعی می دهد این حالت و شیوه گفتار قرآن کریم به عنوان عامل تعیین کنندگی و موثر (تعیین) برای نوع بشر دارد.

منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
 ۲. آرون، ریمون (۱۳۸۲)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۳. اژدری زاده، حسین (۱۳۷۶)، مولفه‌های تعیین در آراء معرفتی مارکس، حوزه و دانشگاه شماره ۱۱ و ۱۲.
 ۴. ابن ابی الحدید (۱۳۷۳)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.
 ۵. جعفری، محمد تقی (۱۳۶۴)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۶. رضائیان، علی. (۱۳۸۷). مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران: انتشارات سمت.
 ۷. عبدالمجید معادی خواه (۱۳۷۳)، فرهنگ آفتاب " فرهنگ تفصیلی نهج البلاغه " چاپ نشر ذره .
 ۸. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۶۵)، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الاسلام)، تهران: چاپخانه سپهر.
 ۹. مولکی، مایکل (۱۳۸۹)، علم و جامعه شناسی معرفت، مترجم: حسین کچوئیان، تهران: نشر نی.
 ۱۰. مانهایم، کارل (۱۳۹۲)، ایدئولوژی و اتوپیا: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت، مترجم: فریبرز مجیدی تهران: سمت.
 ۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، جامعه و تاریخ: مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ناشر: انتشارات صدرا.
 ۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، تعلیم و تربیت در اسلام، قم: صدرا.
 ۱۳. راودراد، اعظم (۱۳۷۶)، نقدی بر دیدگاه کارل مانهایم در جامعه شناسی معرفت، حوزه و دانشگاه شماره ۱۱ و ۱۲.
 ۱۴. رسولی محمد رضا (۱۳۹۶)، دو نگاه به ادبیات جامعه شناسی معرفت، فصلنامه نقد کتاب شماره ۱۳.
 ۱۵. عبدالرضا علیزاده و دیگران (۱۳۸۳)، جامعه شناسی معرفت، «جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و معرفت های بشری»، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 ۱۶. گلشنی، مهدی (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات علم دینی: دیدگاهها و تحلیلها. قم: حکمت.
- 17- Marx, Karl and Fredrick Engels. (1977). Selected Works in Three Volumes. Moscow: Progress Publishers.